یکی دو بار چنین اتفاقی افتاد. در فیلم «مدرسه پیرمردها»، برای سکانسی که باید از بالای کمد به پایین می‌پریدم، خسته شده بودم و مدام می‌گفتم خسته‌ام. اما کارگردان تأکید داشت که این سکانس باید فیلم‌برداری شود.

○ «شهر در دست بچه‌ها» هم از تجربه‌های موفق شما در سینمای کودک بود. این نوع فیلم‌ها چه جذابیتی برای کودکان آن دوره داشتند؟

این فیلم‌ها در کنار جذابیت‌های فراوان، نوعی قهرمان‌پروری را برای کودکان به نمایش می‌گذاشتند. همچنین در زمان خود از جلوه‌های ویژه قابل‌قبولی برخوردار بودند.

○ در سریال «دنیای شیرین» با بازیگرانی توانمند مانند بهروز بقایی و رضا عطاران همکاری داشتید. این مجموعه چه تجربه‌ای برای شما به همراه داشت؟

در آن زمان دوست داشتم با توجه به جایگاه مهم تلویزیون در میان مردم، در یک سریال بازی کنم. بهروز بقایی برای تولید آثار کودک بسیار زحمت کشید و اصولی کار می‌کرد. هر روز هم یک روان‌شناس کودک سر صحنه حضور داشت. «دنیای شیرین»، «دنیای شیرین دریا»، «مثل زندگی» و «قطار ابدی» از جمله کارهای مهم و خوبی بودند که در آن دوران ساخته شدند.

روز آغاز فیلم‌برداری «دنیای شیرین» با هم قسم خوردیم که مثل یک خانواده در کنار هم باشیم. در یک سال و نیمی که تولید مجموعه ادامه داشت و روی آنتن می‌رفت، این شرایط حفظ شد. آن زمان تصور نمی‌کردم این مجموعه تا این اندازه ماندگار و تأثیرگذار شود، اما به دلیل فیلمنامه خوب و نقش‌آفرینی هنرمندانی چون رضا فیاضی، رضا عطاران و دیگر بازیگران، کار به‌خوبی دیده شد. مسعود رسام و بیژن بیرنگ نیز به‌عنوان تهیه‌کنندگان، نقش مهمی در موفقیت این مجموعه داشتند.

○ در یک سال و نیم تولید سریال «دنیای شیرین»، چطور درس و مدرسه را با بازیگری هماهنگ می‌کردید؟

همه‌چیز هماهنگ شده بود و یک معلم خصوصی در درس‌ها به من کمک می‌کرد. او هر روز مدتی به محل فیلم‌برداری می‌آمد و با من درس کار می‌کرد. من و اشکان اشتیاق به همین شکل درس می‌خواندیم.

○ همکاری با بازیگری مثل رضا عطاران چقدر به یادگیری و پیشرفت شما در بازیگری کمک کرد؟

یکی از شانس‌های من در دوران بازیگری، همکاری با بزرگان این حرفه بود. رضا عطاران هم که در آن سال‌ها برای من یک ستاره محسوب می‌شد، بسیار صمیمی بود و بدون مضایقه تجربیاتش را در اختیارم می‌گذاشت. خیلی وقت‌ها که سکانس بازی نداشتم، سر صحنه می‌ماندم تا بازی او را تماشا کنم. یادم می‌آید قایق‌های موتوری زیبایی درست می‌کرد و شعرهای زیبایی هم می‌خواند. افراد زیادی پشت در لوکیشن صف می‌کشیدند تا پس از پایان کار، عطاران را ببینند.

○ شهرتی که پس از بازی در چند فیلم و سریال موفق کودک به دست آوردید، چه تأثیری بر زندگی‌تان داشت و چگونه با آن کنار می‌آمدید؟

شرایط آن دوران با امروز تفاوت داشت. شهر این‌قدر وسعت نداشت و توجه مردم به بازیگران بیشتر از روی علاقه‌ای قلبی و حسی بود.

○ شهرت دوران کودکی باعث نشد در برخورد با دیگران دچار غرور شوید؟

برخورد مغرورانه‌ای با دیگران نداشتم، هرچند ممکن بود در بعضی مواقع که شرایط برایم سخت بود، آن صمیمیت همیشگی را در برخوردم نداشته باشم. در آن دوران، بازیگران مانند امروز نبودند که هر کاری دوست دارند انجام دهند و بیشتر مراعات می‌کردند. حتی بعضی از بازیگران از کشیدن سیگار در محافل عمومی هم پرهیز داشتند.

○ به نظر شما فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی چه تغییری در نحوه دیده شدن و رفتار اجتماعی بازیگران ایجاد کرده‌اند؟

امروز بازیگر با انتشار یک پست یا حتی گذاشتن یک کامنت به‌راحتی دیده می‌شود. با این حال، هنوز هم معتقدم یک بازیگر باید در رفتار و گفتارش بسیاری از مسائل را رعایت کند.

○ بعد از «اتل متل»، فعالیت بازیگری‌تان در دوران کودکی ادامه پیدا کرد؟

بله، در چند فیلم نیمه‌بلند و کوتاه بازی کردم که محمدرضا سرهنگی آن‌ها را ساخته بود. یکی از این فیلم‌ها هم در جشنواره‌ای در هند جایزه گرفت.

○ محمدرضا سرهنگی از چهره‌های تأثیرگذار سینمای کودک در آن سال‌ها بود. همکاری با او چه تجربه‌ای برایتان داشت؟

ایشان از زمان ساخت فیلم «پاتال و آرزوهای کوچک» و همکاری با فرشته طائرپور، حضور مؤثری در سینمای کودک داشتند و نویسنده توانمندی بودند.

○ «خط آتش» نخستین تجربه شما در دوران نوجوانی بود؛ فیلمی که با درگذشت تلخ و ناگهانی علی سجادی‌حسینی همراه شد. از تجربه حضور در این فیلم و مواجهه با این اتفاق بگویید.

در این فیلم نقش پسر سرهنگ را بازی می‌کردم که داوود رشیدی آن را ایفا می‌کرد. فیلم‌برداری در اراک انجام می‌شد و روز حادثه من سر صحنه نبودم. وقتی خبر را شنیدم، اتفاق برایم غیرقابل‌باور بود و بسیار ناراحت شدم.

○ تصمیم به رفتن به هند در آن مقطع زمانی، بیشتر احساسی بود یا به شرایط حرفه‌ای شما برمی‌گشت؟

در آن مقطع، پیشنهادهای کاری‌ام کمتر شده بود و به سنی رسیده بودم که نقش‌های کمتری برایم وجود داشت. همان دوران قرار بود در سریال «دردسر والدین» با مهران مدیری بازی کنم و حتی برای حضور در این مجموعه قرارداد هم بسته بودم.

○ چرا با وجود عقد قرارداد، حضور شما در سریال «دردسر والدین» منتفی شد؟

اطلاع دقیقی از ماجرا پیدا نکردم. بیژن امکانیان، تهیه‌کننده سریال، به‌صورت یک‌طرفه قرارداد را فسخ کرد.

○ بعدها متوجه شدید دلیل فسخ قرارداد چه بوده است؟

زیاد پیگیر ماجرا نشدم. قرار بود نقش پسر مهران مدیری را بازی کنم، اما بعدها فهمیدم بازیگر دیگری جایگزینم شده و یک‌سوم دستمزد من را به او پرداخت کرده‌اند. شاید بخشی از ماجرا به مسائل مالی مربوط می‌شد. البته این اتفاق در چند پروژه دیگر هم برایم رخ داد؛ حتی با وجود عقد قرارداد، حضورم در کار منتفی می‌شد. شاید دستمزد بالایی که پیشنهاد می‌دادم، در بروز چنین اتفاقاتی بی‌تأثیر نبود.

○ در آن دوران کسی در مذاکره و عقد قراردادهای بازیگری همراهتان نبود تا از حقوق حرفه‌ای شما دفاع کند؟

خیر، کسی همراهم نبود. شاید اگر فرد باتجربه‌ای کنارم بود، چنین اتفاقاتی رخ نمی‌داد. البته معتقدم حق طبیعی‌ام بود که چنین دستمزدی درخواست کنم.

○ برای بازی در سریال «دردسر والدین» چه مبلغی به‌عنوان دستمزد در قرارداد تعیین کرده بودید؟

یک میلیون تومان؛ مبلغی که در آن زمان قابل توجه بود. در حالی که بازیگر جایگزین من با دویست هزار تومان در این سریال بازی کرد.

○ چه شد که تصمیم گرفتید برای ادامه تحصیل به هند بروید؟

در آن مقطع احساس می‌کردم زندگی‌ام بی‌معنا شده است. تغییرات فیزیکی ناشی از عبور از دوران نوجوانی به جوانی باعث شده بود پیشنهادهای کاری‌ام کاهش پیدا کند. از طرف دیگر، بسیاری از کارگردانان و بازیگران، از جمله بهروز بقایی و دیگران، در آن دوره بیکار شده بودند. در چنین شرایطی، به‌طور ناگهانی سفری توریستی به هند داشتم. به بنگلور رفتم و به فکر ادامه تحصیل افتادم. در نهایت، در رشته مدیریت اجرایی تحصیل کردم.

○ چرا در دوران اقامت در هند نتوانستید فعالیت بازیگری را در سینمای این کشور ادامه دهید؟

سینمای هند، سینمایی سنتی و ریشه‌دار در فرهنگ بومی این کشور است و تفکرات حاکم بر آن نیز همچنان سنتی است. در حوزه بازیگری، اجازه ورود به غیربومی‌ها داده نمی‌شود. اگر هم بازیگر خارجی بتواند وارد این عرصه شود، معمولاً نقش پررنگی ندارد و بیشتر در صحنه‌های موسیقایی فیلم‌ها، به‌عنوان بازیگر پس‌زمینه (بک‌گراند) حضور پیدا می‌کند.

○ در دوران اقامت در هند، چقدر به سینما می‌رفتید و فیلم‌های هندی را دنبال می‌کردید؟

نه، چندان علاقه‌ای به تماشای فیلم‌های هندی نداشتم و حوصله دیدن فیلم‌های سه‌ساعته هندی را هم نداشتم. بیشتر فیلم‌های آمریکایی، به‌ویژه آثار کریستوفر نولان، را تماشا می‌کردم.

○ پس از بازگشت به ایران، انتظار داشتید پیشنهادهای بازیگری متعددی دریافت کنید و دوباره فعالیت حرفه‌ای خود را از سر بگیرید؟

دوست داشتم به بازیگری ادامه بدهم، اما بعد از بازگشتم به ایران، بسیاری از مسائل، به‌ویژه در حوزه هنر، تغییر کرده بود و شاهد تحولات ساختاری زیادی بودیم. در نهایت، پس از هفت سال دوری از بازیگری، به‌صورت اتفاقی برای حضور در مجموعه «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» انتخاب شدم.

ماجرا از این قرار بود که یک روز گروهی در کوچه محل زندگی‌مان مشغول فیلم‌برداری بودند. بچه‌های گروه من را شناختند و پیشنهاد بازی دادند. احمد معظمی هم فیلمنامه را برایم فرستاد. آن را خواندم و پذیرفتم. نقشم «نیما» بود؛ آدمی معمولی، مثل سایر مردم، که هم ویژگی‌های مثبت دارد و هم خصوصیات منفی، اما در مجموع آدم بدی نیست.

○ حضور در فیلم سینمایی «خجالت نکش» چه تجربه‌ای برای شما به همراه داشت و پس از سال‌ها دوری از سینما، چه تغییراتی در شیوه بازیگری و ساختار تولید فیلم مشاهده کردید؟

در فیلم «خجالت نکش» نقش پسر احمد مهران‌فر را بازی کردم. فیلم خوبی بود و تجربه‌های تازه‌ای برایم به همراه داشت؛ به‌ویژه از نظر دیجیتالی شدن ساختار تولید فیلم‌ها و تغییر جنس بازیگری. در گذشته، بازیگر باید به مسائل مختلفی مانند نور، دوربین و نوع دکوپاژ توجه و دقت می‌کرد، اما پس از بازگشتم متوجه شدم که بازیگر به عنصر محوری فیلم تبدیل شده و همه‌چیز حول محور او شکل می‌گیرد. به‌عبارتی، سینما بازیگرمحور شده بود.

این اتفاق در سینمای آمریکا به همان شکل رخ نداد؛ برای مثال، اعتبار کارگردانی مانند کریستوفر نولان همچنان هم‌تراز با اعتبار بازیگران مطرح فیلم‌هایش است. به نظرم، شکل‌گیری این روند در سینمای ما به تضعیف جایگاه کارگردان منجر شد.

○ برای بازی در سریال «خانه امن» که یکی از آثار موفق تلویزیون در یک دهه اخیر بود، آیا احمد معظمی به دلیل شناختی که از توانایی‌های شما در مجموعه «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» داشت، پیشنهاد همکاری داد؟

برای بازی در این سریال هم به‌صورت اتفاقی احمد معظمی را دیدم. او درباره فضای کار و نقشی که قرار بود بازی کنم، توضیح داد. من هم گفتم تاکنون چنین نقش‌هایی را تجربه نکرده‌ام و اساساً این جنس نقش با توانایی‌ها و تجربه بازیگری من همخوانی ندارد. اما معظمی اطمینان داد که می‌توانم این نقش را با بهترین کیفیت اجرا کنم. در نهایت، با بلند کردن ریش و با توجه به رنگ موی بلوندم، توانستم در قالب یک عضو اروپایی داعش قرار بگیرم.

○ با توجه به منفور بودن چهره داعش در میان مردم ایران، نگران نبودید که ایفای نقش یکی از اعضای این گروه، برایتان در ادامه مسیر بازیگری چالش‌برانگیز شود؟

شب همان روزی که قرارداد بازی در سریال را بستم، پشیمان شدم و دقیقاً همین نگرانی را با خودم مطرح کردم. اما احمد معظمی به من اطمینان خاطر داد که چنین اتفاقی نخواهد افتاد و مخاطبان بازی‌ام را خواهند دید.

○ در نقش عضو داعش، بازی سرد و مینیمالیستی داشتید. برای رسیدن به این نوع اجرا و باورپذیر کردن شخصیت چه رویکردی در پیش گرفتید؟

تلاش کردم زوایای شخصیتی این آدم مسخ‌شده، سرد و بی‌احساس را به‌درستی نشان بدهم که کار دشواری بود. یکی از امتیازهای مهم این سریال نیز حضور بازیگران توانمند بود. همچنین تلاش کردم با انتخاب لهجه‌ای مناسب برای گفتارم، این باور را در مخاطب ایجاد کنم که با شخصیتی غیرایرانی روبه‌رو است.

○ برای طراحی لهجه این شخصیت و ایجاد تمایز در شیوه گفتارش از چه منابعی استفاده کردید؟

به زبان‌های انگلیسی و آلمانی و تا حدودی عربی تسلط دارم. توانستم با ترکیب این زبان‌ها و اضافه کردن یک واژه فارسی در هر جمله، ادبیات گفتاری شخصیت را شکل بدهم.

○ کدام یک از سکانس‌های حضور شما در سریال «خانه امن» برایتان جذابیت بیشتری داشت و تجربه بازی در آن را بیشتر دوست داشتید؟

چند سکانس از بازی‌ام در کنار علی جلالی برایم جذاب بود؛ به‌ویژه صحنه‌هایی که درباره مباحث اعتقادی صحبت می‌کردند و جایی که به شخصیت سعید سیلی می‌زنم. همچنین یک پلان‌سکانس هشت‌دقیقه‌ای داشتیم که از نظر بازیگری تجربه جذابی برایم بود.

○ پس از دیده شدن بازی شما در سریال «خانه امن»، انتظار داشتید پیشنهادهای بیشتری برای ایفای نقش‌های متفاوت و جدی‌تر دریافت کنید؟

هیچ‌وقت منتظر پیشنهادهای بازیگری نمی‌مانم. آنچه برایم اهمیت دارد، واکنش مردم به بازی‌ام است. با توجه به مضمون «خانه امن»، این سریال اثری تند و چالشی بود و حضور در آن نیز تجربه متفاوتی برایم محسوب می‌شد. نکته مهم برای من این است که مخاطبان از تصویر دوران کودکی و بازی‌هایم در آن سن عبور کنند و توانایی‌های بازیگری‌ام را در دوران بزرگسالی نیز ببینند.

○ در سریال «الگوریتم» هم نقش متفاوتی با ویژگی‌های خاکستری ایفا کردید. چه چیزی در این شخصیت برایتان جذابیت داشت؟

فیلمنامه خوبی داشت و دوست داشتم دوباره فرصت همکاری با صفری، تهیه‌کننده سریال، را پیدا کنم. شخصیتی که بازی کردم، آدمی فرصت‌طلب، محتاط، معتاد و تا حدودی حقیر بود که می‌خواست از شرایط موجود به نفع خودش استفاده کند. از طرف دیگر، درگیر یک رابطه سه‌جانبه با دو زن زندگی‌اش شده بود. مجموعه این ویژگی‌ها باعث شد به بازی در این نقش خاکستری علاقه‌مند شوم.



